

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این نوشتار می خوانید:

\* لبنان صحنه کشاکش دست راستیها

\* باز گشت به اندونزی

## لبنان صحنه کشاکش دست راستیها

روز ۱۴ فوریه، انفجار شدیدی منطقه بازرگانی بیروت، پایتخت لبنان را به لرزه درآورد. در این حادثه رفیق حریری، نخست وزیر اسبق لبنان، تعدادی از محافظان او و چند رهگذر به قتل رسیدند.

با قتل رفیق حریری، صفحه ی پرماجرایی از تاریخ لبنان ورق خورد. در روز ۲۲ فوریه، هزاران لبنانی خواهان خروج نیروهای نظامی سوریه از کشور خود شدند. یک روز بعد، ۲۳ فوریه، دبیر کل اتحادیه عرب از تصمیم سوریه برای خروج از لبنان خبر داد. در ۲۴ فوریه، جلسه مهمی برای سلب اعتماد از حکومت عمرکرامی، نخست وزیر سابق لبنان در پارلمان برگزار شد. عمر کرامی بی درنگ آمادگی خود را برای استعفا اعلام کرد اما گفت، این کار را پیش از معرفی دولت جدید به منظور جلوگیری از بروز خلأ قانونی، انجام نخواهد داد.

بدین ترتیب، طی ۱۰ روز از زمان انفجار بمب، تحولات چشمگیری در لبنان صورت گرفت و با همان شدت در روز های بعدی ادامه یافت.

این سوال که چه کسی در قتل رفیق حریری دست داشته و چه کسانی از آن سود برده اند، از همان آغاز ذهنها را به خود مشغول کرد. با گذشت بیش از یک ماه و آغاز به کار تیمهای تحقیقاتی سازمان ملل و سویس که روانه لبنان شدند، هنوز پاسخ روشنی به این که چه کسی یا کسانی در این عمل دست داشته اند، داده نشده است. تنها یافته این تیمها نشانه هایی حاکی از دست داشتن مقامات بالا و پرنفوذ در این بمب گذاری بوده است. با این حال، این که چه کسی بیش از همه از این ترور سود جست را رویدادهای بعدی تا حد زیادی روشن کرد.

آقای حریری، سرمایه داری که در عربستان سعودی ثروت هنگفتی به هم زده بود و از نزدیکی و دوستی با رییس جمهور فرانسه، ژاک شیراک، نیز بهره مند بود و همچنین روابط دوستانه ای هم با واشنگتن برقرار کرده بود، ۱۰ سال از ۱۵ سال گذشته را در لبنان حکومت کرد. او با وجود نفوذ سوریه در لبنان و استقرار بین ۱۲ تا ۳۰ هزار سرباز و اعضای سازمان اطلاعاتی این کشور که در لبنان فعال بودند، نزدیک به ۳۰ سال رابطه نزدیکی هم با سوریه برقرار کرده بود. این شامل داشتن

مدرکی، این قتل را متوجه سوریه کرده و فوراً سفیر خود را از این کشور فرا خواند.

رسانه های آمریکایی نیز بلافاصله قتل رفیق حریری را به سوریه نسبت دادند. در این باره روزنامه واشنگتن پست نوشت: "قتل تنفر آمیز آقای حریری برای هیچ کس غیر از رژیم دمشق سودآور نیست و جهان بایستی پاسخ مناسب این عمل را بدهد." روزنامه مزبور از این هم فراتر رفته و گفت: "این کار مستبد وحشت زده ای است که به بیخ دیوار کشانده شده است."

در همین رابطه، روزنامه نیویورک تایمز در سر تیترا اخبار خود با تیترا درشت اعلام کرد: "آمریکا به نظر مطمئن می آید که سوریه در این قتل دست داشته است." اگرچه خانم رایس گفت: "ما فعلاً کسی را سرزنش نمی کنیم" و "باید بیشتر تحقیق کرد" اما موضع گیری سریع واشنگتن مبنی بر دست داشتن سوریه در قتل آقای حریری نشان می دهد که دولت بوش برای بالابردن تهدیداتش نسبت به سوریه آمادگی داشته است. دولت بوش که از مقاومت عراقیها به ستوه آمده، بارها سوریه را در کمک و رهبری مخالفان خود در عراق سرزنش کرده بود. اگر چه نمی توان این ادعا را نفی کرد اما با این حال قتل حریری، دم تازه ای بر جان ماشین جنگی بوش دمید.

قتل آقای حریری چه از جانب سوریه صورت گرفته باشد یا نه، منافع فوری آن به جیب آمریکا و اسرائیل سرازیر گشت. تظاهراتی که توسط نیروهای سیاسی مخالف سوریه سازماندهی شده بود و خواستار خروج فوری سوریه از این کشور بود و احتمال یک جنگ داخلی در لبنان بطور قطع از خواسته های سوریه نمی توانست باشد. مگر آن که تصور شود رهبران این کشور به هیچ وجه نمی توانستند پیامد های این اقدام از جمله به خطر افتادن دولت بشار اسد را پیش بینی کنند که این بعید به نظر می رسد. پیش از این، سوریه علیه قلعطنامه ۱۵۵۹ تلاش می کرد و تحت فشار واشنگتن بود. مقامات آمریکایی به ویژه دیک چین، بارها از "تغییر رژیم" در سوریه یاد کرده بودند.

دخالته سوریه در این بمب گذاری تنها می تواند نشانی از حماقت باشد زیرا منافع آن به طور مستقیم به جیب نیروهای متعدد دیگری رفت از جمله، عناصر دست راستی فالاتزیستیهای مسیحی که با نو محافظه کاران دولت بوش روابط حسنه ای دارند. از همین رو بود که ولید جنبلاط، عنصر دست راستی مسیحی لبنانی و رهبر دروزیهها، سریعاً اطلاعیه ای صادر کرده و سوریه و حزب الله را مورد سوء ظن قرار داد.

از سوی دیگر، فرانسه قدرت استعماری پیشین در لبنان نیز که منافع دیگری در لبنان دارد و همسو با آمریکا قلعطنامه سازمان ملل را مبنی بر فراخوان به سوریه برای خروج نیروهای خود از لبنان امضا کرده بود، پنهان ای برای رفع کدورت با دولت بوش بر سر مساله جنگ در عراق یافت. با در نظر گرفتن این که اوایل همین ماه، خانم رایس به پاریس سفر کرده و خواستار پایان بخشیدن به اختلاف دو کشور بر سر مساله جنگ آمریکا در عراق گشته بود.

بیرون راندن نیروهای سوریه از لبنان، نفع دیگری را نیز برای آمریکا و اسرائیل داشت. برخی از گروههای فلسطینی مانند حماس که به لبنان پناه برده اند، با خروج نیروهای سوریه در شرایطی که برایشان ناخوش آیند خواهد بود، قرار خواهند گرفت. حزب الله لبنان که نیروهای اسرائیلی را از جنوب لبنان پس از ۲۰ سال اشغال بیرون راند، با خروج نیروهای سوریه، گشوده شدن درها بسوی اسرائیل را انتظار خواهد داشت. دستکم، خروج سوریه احتمال روی کار آمدن دولتی که به اسرائیل نزدیک باشد را در بر خواهد داشت. این تا جایی است که حتی برخی معتقدند که اسرائیل و فالاتزیهای متحدشان در لبنان، با این امید که سوریه مقصر شناخته خواهد شد، در این کار دست داشته اند.

این که قتل حریری در زمانی کمتر از یک هفته پس از آن که آرل شارون و محمود عباس قرارداد متارکه جنگ را در مصر امضا کردند صورت می گیرد، قابل توجه است. قتل حریری و از دور خارج کردن سوریه می تواند پاداشی از جانب آمریکا برای اسرائیل باشد زیرا همانطور که دیده شد، پس از این بمب گذاری، صحنه برای تهاجم آمریکا و اسرائیل به سوریه مساعد تر گشت. امری که از جانب عناصری در دولت آمریکا که با جناح راست اسرائیل روابط نزدیکی دارند، همواره تبلیغ و ترویج گشته است. در سر لیست این افراد می توان از دیوید وورمسر، مشاور دیک چین در امور خاورمیانه، نام برد. او نقش مهمی در سر هم بندی و ساختن و پرداختن دلایلی که ارتباط القاعده با عراق را نشان دهد، داشت.

اوایل ماه جاری، معاون وزیر دفاع آمریکا، پال ولفویتر که معروف به "عقاب روی دمشق" است، بارها به این که سیاست آمریکا در برهم زدن ثبات در سوریه متمرکز نشده، اصرار ورزید؛ اما فراخواندن بی درنگ سفیر آمریکا پس از قتل آقای حریری نشان داد که ایالات متحده اهداف دیگری را نیز در سر می پروراند است.

مایکل هادسون، پروفیسور در مطالعات بقیه در صفحه ۱۰